

# میراث

احمد شاملو



موسسه انتشارات نگاه

www.ketab.ir

شاملو، احمد، ۱۳۷۹-۱۳۸۴.  
میراث / احمد شاملو.  
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۹.  
۱۵۱ ص.  
ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۱-۶۰۵-۵  
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فیلم‌نامه‌ها.  
الف ۱۳۸۸ م ۸۷ / ۷۹۱ PPN ۱۹۹۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۷۸۷۱۵

www.ketab.ir

میراث

احمد شاملو

طراح گرافیک: بهزاد خورشیدی

چاپ اول: ۱۳۹۴

چاپ: ارشد

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۱-۶۰۵-۵

حق چاپ محفوظ است.



موسسه انتشارات نگاه

تأسیس ۱۳۵۲

دفتر مرکزی: خ انقلاب، خ شهدای ژاندارمری، بین خ. قنبر رازی و خ. دانشگاه، پ. ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱، ۸-۶۶۴۸۰۳۷۷، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.entesharatnegah.com info@entesharatnegah.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

### به جای پیش گفتار

«...پیش از پرداختن به جواب سوال‌تان چند کلمه‌یی هم درددل کنم در باب یک کتاب دیگر. شرح حالی رمان گونه که من بسیار عزیزش داشتم و تکه‌هایی از آن زیر عنوان موقت میراث در کیهان شب جمعه به چاپ رسیده بود (شهریور ۵۲)<sup>۱</sup>. خیال چاپ مستقلش را به سر نداشتیم. بیشتر دوست داشتم حالا حالاها... حک و اصلاح و کم و زیادش کنم. فصل آخرش را داشتم تمام می‌کردم. پنج شش صفحه‌یی باقی مانده بود که به اصطلاح «طرح اولش» تمام بشود... رمان این‌طور است: معمولاً یک‌بار می‌نویسید و می‌گذرید، بعد مرورش می‌کنید و اگر راضی‌تان نکرد همه‌اش را از نو می‌نویسید چیزهایش را می‌زنید و چیزهایی به‌اش اضافه می‌کنید و به هر حال امکان دارد آخرین نسخه به‌کلی چیز دیگری

از آب دریاید. اما قرار نبود کار نوشتن آن کتاب به این مفتی‌ها به آخر برسد. چیزی بود که می‌شد تا آخر عمر رویش کار کرد.

آقای محترمی آمد با من گفت‌وگوی مفصلی کرد<sup>۲</sup> و گفت‌وگو به پیش کشیدن بخشی از آن کتاب منجر شد و این بخش چنان در آن گفت‌وگو جا افتاد که قرار شد عیناً نقلش کند. موقع خداحافظی گفت کتاب را بدهید از آن قسمتش کپی بردارم. آیدا گفت خود من این کار را می‌کنم... من برای آن که حریف از سخن آیدا نرنجد گفتم اشکالی ندارد، بپزید خودتان کپی بگیرید... آقای علیرضا میبدی بی‌هیچ تعارفی دست‌نویس کتاب مرا برد و دیگر پس نیاورد. نمی‌توانم برای بیان این که با این کارش چه لطمه‌یی به من زده است کلماتی پیدا کنم. لطمه‌ی هیچ‌کدام (از بین رفتن آثار دیگر) به اندازه‌ی از دست دادن میراث در من اثر نگذاشت. من آن را داشتم برای خودم، برای دلم، برای ارضای روحم می‌نوشتم. در میراث مخاطب اصلی خود من بودم. تنها نوشته‌یی بود که راضی‌ام می‌کرد. کتابی که هنوز در نقطه بود اما بی‌گمان می‌بایست حیثیت ادبی من باشد... نمی‌توانم آن را دوباره بنویسم...»<sup>۳</sup>

۲ (چاپ شده در روزنامه‌ی رستاخیز؛ ش ۴۵۳؛ پنجشنبه ۶ آبان ۱۳۵۵)

۳ برگرفته از کتاب «گفت و گو با احمد شاملو محمود دولت‌آبادی مهدی اخوان ثالث»؛ محمد محمدعلی؛

نشر قطره؛ تهران ۱۳۷۲؛ ص ۱۹.